



کرامت بالاترین غایت انسانی در منظر امیرالمؤمنین(ع) است

ناصر مهدوی معتقد است: یکی از خصوصیات حضرت امیر(ع) این است

ناصر مهدوی معتقد است: یکی از خصوصیات حضرت امیر(ع) این است که کرامت آدمی را بالاترین هدف انسانی می داند و می گوید زندگی وقتی معنادار است که آدمی در آن پرورش یابد و عزت و شکوه خود را حفظ کند. ممکن است آدم خالی باشد و با سختی زندگی کند اما کسانی بختیار هستند که مرارت و سختی و مشقت را تحمل می کنند و در برابر ناکثان سر تعظیم فرود نمی آورند.

به گزارش ایگنا، نشست «تعلیم و تربیت در نهج البلاغه» شب گذشته ۷ آبان با سخنرانی ناصر مهدوی به صورت مجازی برگزار شد که در ادامه متن این نشست را می خوانید؛

بحث درباره نامه سی و یک نهج البلاغه است و مخاطب حضرت امیر(ع) امام حسن(ع) است اما امام(ع) به همه می گوید که اگر چطور زندگی کنند تبدیل به انسان های فاخر و بزرگ و محبوب خدا می شوند و در دل خود رهایی پیدا می کنند و بوی صداقت می دهند. خیلی ها در کنار امام علی(ع) ایستادند اما در حرف ادعا داشتند و در عمل با دغدغه های امام(ع) فاصله داشتند. ما باید از این فرمایشات کم نظیر استفاده کنیم و گویا که مولانا و حافظ با نهج البلاغه آشنا بودند، ما هم باید از طریق تأمل در این کلمات فاخر سود فراوان ببریم.
توصیه حضرت امیر(ع) به عزتمندی

امام فرمودند؛ خودت را از اینکه به پستی و حقارت بیندازی بر حذر مدار؛ گرچه ممکن است برخی اوقات برای رسیدن به آرزوهایت بخواهی سر خم کنی و دست نیاز و گدایی به سوی افراد ناسالم بلند کنی اما آن وقت به آرزوهایت هم که برسی، هرچه به دست آوری به اندازه نفس خودت که پایمال شده نیست؛ بنابراین صحبت درباره این است که خودت را عزیز و شریف نگه دار. یکی از خصوصیات حضرت امیر(ع) این است که کرامت آدمی را بالاترین هدف انسانی می داند و می گوید زندگی وقتی معنادار است که آدمی در آن پرورش یابد و عزت و شکوه خود را حفظ کند. ممکن است دست آدم خالی باشد و با سختی زندگی کند اما کسانی بختیار هستند که مرارت و سختی و مشقت را تحمل می کنند و در برابر ناکثان سر تعظیم فرود نمی آورند.

حافظ هم می گوید: «ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم / با پادشاه بگوی که روزی مقدر است»؛ یعنی اگر پادشاهان تصور کنند که ما به دلیل تأمین نیازهای خودمان چشم عزت و قناعت را کور می کنیم اینطور نیست و اشتباه می کنند و ما به خاطر اینکه عزت داشته باشیم حاضر نخواهیم شد عزت خود را بفروشیم و زیر پا بگذاریم و چوب حراج به شخصیت خود نمی زنیم.

یکی از نکات این است که یک نظام سیاسی سالم و انسانی و مدعی، دینی است و باید خصوصیات داشته باشد و یکی از آنها این است که در آن نظام سیاسی و دینی آدم ها طوری پرورش پیدا کنند که بتوانند صلابت، عزت و حریم شخصی خود را حفظ کنند. کسی که خود را منسوب به خدا و پیرو انبیا(ع) می داند زمانی مشروع است که تضمین کننده آزادی و عزت و سرفرازی انسان ها باشند. اگر یک نظام سیاسی طوری طراحی شد که آدم ها حق شهروندی شان فروریخت مشروعیت ندارد. این خط مشی ها را در قرآن و روایات داریم و کلام امام علی(ع) نیز همین است که نفس خود را از هر نوع پستی در امان نگه دار و برای رسیدن به آرزوهایت شخصیت خود را معامله نکن؛ چون هرچه به دست آوری به اندازه قیمت نفس تو نیست و هرچه به تو اضافه شود آنچه از سرشت تو کم شده را جبران نمی کند.

حضرت امیر(ع) این سیاست را پیش می برد که هرچه به دست آوری اما خود را از دست بدهید در معامله ضرر کرده اید؛ برای اینکه وقتی آدم ها خود را از دست می دهند این پاره های جدا شده از شخصیت انسان همواره انسان را رنج می دهد و این خلل همواره موجب آشفتگی روحی و رنج های عمیقی در زندگی می شود.
اگر عزت فروپاشید چه می شود؟

وقتی آدمی زخم بخورد، اگر امکانات دنیا را هم در اختیار داشته باشد هرگز از امکانات به درستی استفاده نمی کند و لذت نمی برد. اگر آدم دنیا را به دست آورد اما عزتش فروپاشیده باشد مدام رنج می کشد و دچار اضطراب است؛ بنابراین امام(ع) می گوید که استراتژی شما این باشد که در ابتدا خود را حفظ کنید و تلاش کنید که زندگی خوبی داشته باشید اما با خودتان داد و ستد نکنید و آبروی خود را این وسط به میدان نیاورید و عزت و صلابت خود را حفظ کنید.

سپس فرمود خدا تو را حر و آزاد آفریده است. آدمی از جایی آدمی می شود که حق انتخاب دارد و تفاوت ما دیگر موجودات این است که آدمی می تواند آدمی تر و انسان تر شود و روحش را افزون کند و خودش را بازآفرینی کند. خیلی اوقات از عقل صحبت می شود اما عقل حالت بالقوه دارد و همه آدم ها عاقل نیستند و برای اینکه عاقل باشند باید مدام دست به انتخاب های درست بزنند و باید گزینش های بهتری انجام دهند و از اغیار و ظلمت و تاریکی ها خود را جدا کنند و این یعنی آزادی. اینکه انسان راه درست را انتخاب کند و برده نباشد؛ یعنی آزادانه زندگی کرده است. وقتی که انتخاب را از آدم بگیری، آدم با یک تکه سنگ تفاوتی نخواهد داشت و همان شیء بی ارزش است.

دومین ویژگی نظام های مشروع نیز این است که آدمی را منگنه نمی کنند و آدم ها جرئت انتخاب زندگی دارند. جایی که آدم ها نمی توانند عقیده خود را نشان دهند آنجا بال و پر آدم ها سوزانده می شود. دشمنان آزادی دشمنان خدا هستند؛ چون مخلوقات را سر می برند. بال و پر آدمی به این است که بسنجد و ارزیابی کند و راه درست را انتخاب کند و به سمت کمال برود اما اگر به انسان بگویند از زاویه ای ببینید که ما می بینیم، در این صورت حکم به قتل انسان داده اند. فرعون نماد تضييع حقوق ديگران

در قرآن خداوند فرعون را به عنوان نماد انسانی می داند که دیگران را کوچک می شمارد. فرعون یک شخص ویژه در تاریخ نیست، بلکه نماد آدم هایی است که حقوق دیگران را نادیده می گیرد. قرآن هم می گوید فرعون به مردم نگاه تحقیرآمیز دارد و به مردم می گوید باید از زاویه ای که من می بینم شما هم ببینید و آنچه می بینم درست است و آنچه می گویم حق است اما شما اگر بخواهید ایده جدایی داشته باشید، با فرعون نیستید و بدا به حال شما و این یعنی فرعونیت.

البته اینکه انسان آزاد باشد به معنای آنارشیسم نیست و همه ذیل قانون زندگی می کنیم اما اینطور نیست که بگویند همه باید یک نظر داشته باشند؛ چون حریت را خدا به ما داده است و حکام ستمگر ابتدا با خدا ستیز دارند؛ چون امام(ع) می گوید که خدا تو را اینطور آفریده که بتوانی عقیده ات را آشکار کنی و برای خودت مدل زندگی انتخاب کنی. اگر سیستمی بیاید و آزادی انسان را مختل کند و آدم ها برای رسیدن به آزادی بخواهند عزت خود را بفروشند در این صورت چنان حکومتی نامشروع است؛ برای اینکه اصل، حفظ عزت و حقوق و آزادی آدمی است. به لحاظ فردی هم اینطور است که آدم ها باید از قوت آزادی خود استفاده کنند و دست به انتخاب بزنند و اینطور نباشد که تنبلی کنند و بگویند دیگران تلاش می کنند و ما دیگر تلاش نمی کنیم.

بارها گفته ام که اگر بدها بخواهند جامعه را به بیراهه ببرند، خوب های بی خاصیت که شهامت فکر کردن ندارند و به دیگران تکیه می کنند نیز بزرگ ترین دشمن زندگی هستند و آدم های بی خاصیتی که حاضر نیستند فکر کنند و وام دار دیگران می شوند بزرگ ترین خیانت را می کنند. تمام ماجرا این است که حضرت امیر(ع) می گوید که عزت و حریت خود را با چیزی عوض نکن؛ هم عزیز باش و هم آزاد؛ ولو که آزادی و آزادبودن هزینه دارد و خودت در زندگی راه های درست را انتخاب کن و خودت را بیافرین و خطاهای سابق را از خودت دور کن.

همچنین امام(ع) می گوید باید از روش های درستی برای رسیدن به هدف استفاده کرد. آرمان های بزرگ وقتی بزرگ هستند که با روش های درستی حاصل شوند. برخی مدیران جامعه ما اینطور هستند که آرمان های درخشانی را به زبان می آورند اما روش آنها همواره تزویر است و مردم را فریب می دهند؛ مثلاً طرف وقتی می خواهد استاندار شود آدرس های غلط می دهد و یک تعدادی هم باور می کنند و زیر علم اینها سینه می زنند؛ این یعنی برخی ها برای رسیدن به هدف خود دست به هر تزویری می زنند و امام(ع) می گویند: نتایجی که با روش های مسموم به دست می آید خیر نیست، بلکه سم و شر است و آدم هایی که اینطور هستند فریبکارند و نمی شود با روش های نامشروع دم از اهداف بلند بزنند.

به تعبیر دیگر، سخن امام(ع) این است که وقتی آرمان ها مطرح شد روش ها را ببینید؛ وقتی روش ها مناسب بود بپذیرید. آرمان های بزرگ را راه های بزرگ نشان می دهد و نمی توان با تزویر و دروغ به خیر رسید و این دیگر خیر نیست، بلکه شر و مسموم است. امام(ع) فرمود که آن خیر، خیر نیست که برای رسیدن به آن از شر استفاده کنید؛ مثلاً طرف می خواهد خودش را تبرئه کند بی گناهی را متهم می کند که اینها روش های فریبکارانه و غلطی هستند.